



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۱۱/۲۴

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

ولد - والد - مَوْلِد - مُوَلِّد



در نظر بود در مورد دگری بنویسم و اندران باره جملاتی را نثار کاغذ هم کرده بودم، که به یکباره و به اصطلاح عربی "دفعتاً" تغییر نظر دادم. دلیل تغییر نظر را پسانتر خواهم گفت، تا عزیزان کابلی نگویند:

اول پبله و دُرد؟؟؟

دستورنویسان گفته اند و همیشه می گویند، که در زبان دری/فارسی "حرف اول کلمه همیشه متحرک است و حرف آخر آن ساکن." بدین حساب در زبان ما گویا "حرف اول ساکن" وجود ندارد!!! از همین خاطر کلمات فرنگی را که با حرف اول ساکن شروع می شوند، با تجاویز و نیرنگهائی تلفظ می کنند، تا حرف اول آنها حرکت پیدا کند؛ مثلاً بدین ترتیب:

– sport را در زبان ما "سپورت" (به سین مکسور) تلفظ کنند و در ایران اگر آن را استعمال کنند، "اسپورت" گویند

– skye را در افغانستان به صورت "سکی" اداء کنند و در ایران "سکی"

– stadium را در افغانستان و ایران "استودیوم" تلفظ می کنند

کابلین مگر بر این قاعده خط بطلان کشیده اند، چون بسا کلمات را با سکون حرف اول تلفظ می کنند. از همین سبب کلمه "پپاله" را که حرف اول مکسور دارد، به سکون "پ" و حذف "الف" تلفظ می کنند. ولی مانند این، کلمات دیگری را نیز به حرف اول ساکن اداء فرمایند؛ مثلاً:

– "جَوَان" را که حرف اول آن فتحه دارد، به سکون "جیم" اداء کرده و "جَوَان" گویند!!! چنان، که گویند:
"جَوَان کاکه" و یا "کاکه جَوَان"

– "جَوَال" را، که همچنین به جیم مفتوح است، با "جیم ساکن" تلفظ کنند و کلمات فراوان دیگری را. این تبصره جانبی را محض جهت توجیه ترتیب تحریر "پپاله" در مثل بالا، آوردم، که با اصل موضوع این مضمون هیچ ربطی ندارد.

اصل مقاله باز به یکی از موارد بسیار ساده و پیش پای افتاده ای نظر می اندازد، که در دری مکتوب افغانستان مورد بی مهری قرار می گیرد. گپ بر سر بعض مشتقات کلمه عربی "ولد" است، که در زبان ما فراوان استعمال می گردند، ولی از عدم توجه و از روی اهمال با املای غلط نوشته می شوند. ضمن این نوشته نکات نیرنگی را بیرون آورده و با اندک مکثی بر آنها، به اصل مطلب می روم:

– "ولد":

"ولد" در معنای "بچه" یا "پسر" است، چنانکه در ترکیب دفتری و دیوانی "اسم و ولد" دیده می شود، که ترکیبی ست، در حد خود نامناسب و ناشامل و باید ضمن نوشته ای مستقل بررسی گردد.

– "اولاد":

"اولاد" جمع "ولد" است و در اصل عربی خود در معنای "پسرها"، ولی در زبانهای افغانستان آن را شامل "دختر و بچه" می گیرند. با وجود جمع بودن کلمه "اولاد"، مردم ما آن را بار دیگر جمع بسته و "اولادها" گویند و از عجائب روزگار است، که "اولادان" نمی گویند.

با همین کلمه اسمی "ولد" است، که مصدر "ولادت" ارتباط می گیرد، و از آن "والد و والده و والدین و تولید و تولد و ..." را ساخته اند.

– "والد":

اسم فاعل "ولادت" و اصلاً در مفهوم "سازنده ولد" است، که در تعارف در معنای "پدر" استعمال شود

– "والده":

صیغه مؤنث "والد" است و در معنای "مادر"

– "والدین" تثنیه "والد" است و در معنای "مادر و پدر". در زبان دری مگر "مادران و پدران" را – که جمع "مادر و پدر" است – نیز "والدین" می خوانند.

تا اینجا قضیه کدام اشکال جدی را نمی بینم، اما اشکال وقتی ایجاد می شود، که کلمات "مولد" و "مولد" را می نویسند:

ضمن گذری گذرا بر کتابی، که در صفحه ۲۲ نومبر ۲۰۱۶ سایت عزیز "آریانا افغانستان آنلاین" انتشار یافت، متوجه املای کلمه ای گردیدم، که تاکنون به نظرم نرسیده بود و آن عبارت بود از لغت "مولد" که در آن کتاب در هیئت "مُولد" نوشته شده است. و از عجائب زمانه، که امروز ۲۳ نومبر نیز عین اشتباه ضمن نقل غزلی از استاد سخن، ملک الشعراء مرحوم "صوفی عبدالحق بیتاب"، صورت گرفته است. مصراع اول مطلع غزل چنین است:

ای وطن، ای مولد و ماوای من، افغان دیار
آنچه می بایست، داری، از عطای کردگار

راوی و نقل کننده این غزل مگر کلمه "مُولد" را در شکل "مُولد" آورده است؛ یعنی بیجهت "همزه" را جانشین "واو" ساخته است، که حتی تلفظ کردنش زبان را رگ می‌سازد!!! همین نکته و نکته زندقه دیگری، که بعض کسان در مورد کلمه "مُولد" روا می‌دارند، باعث گردید تا این نوشته را عرضه بدارم و به رؤیت شرح صرفی این کلمات، روشن بسازم، که:

– مُولد:

(به وزن "محفل و مجلس و موطن و مسجد") اسم مکان از کلمه "ولادت" است و به معنای "جای تولد"، "مکان ولادت" و "زادگاه". املای درست این کلمه همین قسم است و هر بدعت در تحریر آن را باید "صنعت تباه" دانست!!! اگر قضیه املای این کلمه را به رسم ملایان و شیوه "فرهنگ امید" آرم، چنین می‌شود:

(مَ و لِ د)

خواننده عزیز توجه می‌کند، که حرف دوم این کلمه، "و" است، نه "و"، که حکم "همزه" را دارد!!!

– مُولد:

"مُولد" (بر وزن "مَقْلَد و مَقْوَى و مَنْجَم و مَقْع") اسم فاعل مصدر "تولید" است و در معنای "تولید کننده" و "سازنده". در عرف غلط نویسندگان افغان، این کلمه را به شکل "مُولد" (م و لِ د) می‌نویسند، بدون توجه بدین نکته، که "و" چیزی دیگری نیست غیر از "ء" ای، که بر کرسی "واو" نشسته است و جمعاً حکم "همزه" را دارد – "همزه ماقبل مضموم" را!!!

پس املای درست این کلمه به حساب ملائی چنین است:

(مُ و لِ د)

^۱ "زنند" صیغه مبالغه از صفت فاعلی "زننده" است، که در زبان عوام کابلی بسیار دیده می‌شود؛ پس "زنند" معنای "بی اندازه زننده" را دارد و همین قسم:

"شکنند"؛ یعنی "بسیار شکننده" و "خورند" یعنی "بیحد خورنده" و غیرهم. درین باب ضمن مقاله ای به تفصیل گفته ام!!!

در همین زمینه خاص حدوداً پانزده سال پیش در جریده "امید" مفصلاً نوشته بودم، که بعداً همان مقاله را با اندک تجدید نظر در فبروی ۲۰۱۰ در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" منتشر ساختم. درینجا لنک آن مقاله را می اندازم، که فقط به یک کلیک و به فرموده نوری صاحب گرامی، به یک "دکه" باز می شود. این مقاله قسمت سوم سلسله "مشکلات املایی در زبان دری" ست، که سالها پیش سر دست گرفته شد و تا قسمت هشتم رسید و پس از آن دنباله اش رها گردید، در حالی که مطالب فراوان دیگر در زمینه در آرشیف قفس سینه منتظر نوبت بود و است:

[http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/۰۲۲۸۱۰-KM-Moshkelaat-e-Emlaayee-ye-Darizabaanaan-۳\[۱\].pdf](http://www.afgazad.com/Adabi-Farhangi/۰۲۲۸۱۰-KM-Moshkelaat-e-Emlaayee-ye-Darizabaanaan-۳[۱].pdf)

